

تحلیل وضعیت برخی شاخصهای توسعه

در مناطق مختلف جهان و مقایسه آن با ایران

بر اساس

گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۷

● مهندس صفت اله رحمانی

چکیده

به طور کلی، توسعه در هر جامعه‌ای (اعم از پیشرفته و یا عقب مانده، شهری یا روستایی) یک امر نسبی است. به عبارت دیگر، موفقیت هر جامعه‌ای در تحقق اهداف توسعه و دستیابی به سطح مطلوبی از شاخصهای آن را باید با توجه به امکانات و تواناییهای آن جامعه مورد ارزیابی قرار داد. به هر نسبت و به هر میزانی که امکانات، توانایی و شرایط در اختیار آن جامعه باشد، به همان نسبت در آن جامعه توسعه از سطح معینی برخوردار خواهد شد. همچنین اهداف پیش‌بینی شده برای آن جامعه به همان نسبت بلند و آرمانی خواهد بود که این شرایط و امکانات و اهرمها در اختیار آن جامعه است و یا اینکه برای آن فراهم شده باشد. این موضوع فقط شامل بعد اقتصادی توسعه نمی‌شود، بلکه دربرگیرنده تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توسعه است.

بیش از ۴۱ درصد از اراضی کل جهان را اراضی جنگلی و قابل کشت تشکیل می‌دهد که ۷۰ درصد آن متعلق به کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته است. از طرف دیگر، بالاترین سهم جمعیت و سهم نیروی کار جهان نیز متعلق به این گروه از کشورها می‌باشد که بالاترین نرخ اشتغال از جمعیت در منطقه آسیای (به استثنای کشورهای عربی) است و این در حالی است که از نظر سطح تولید و میزان تولید ناخالص ملی در سطح مطلوبی نیستند و علیرغم منابع و نیروی کار زیاد، فاصله خیلی زیادی با کشورهای پیشرفته دارند. ولی از نظر نرخ رشد تولید ناخالص ملی، کشورهای در حال توسعه و فقیرتر دارای نرخ رشد بالاتری هستند. به طوری که تا ۴۰ برابر نسبت به کشورهای پیشرفته اختلاف وجود دارد.

در درون جوامع فقیر و مناطق توسعه‌نیافته دنیا، اختلاف شکاف توسعه بین

شهر و روستا بیشتر است. به طوری که، این شکاف تا سه برابر قابل برآورد است. در حالی که در این گروه از کشورها، بخش عمده‌ای از جمعیت روستائین و بخش زیادی از نیروی کار روستایی و به طور کلی منبع و منشأ اصلی تولید و درآمد در این کشورها در مناطق روستایی می‌باشد.

مقدمه

شکاف بین طبقات و اقشار مختلف در جوامع و مناطق مختلف جهان از لحاظ معیار و سنجشهای توسعه، همیشه در طول تاریخ بشری وجود داشته و با گذشت زمان این فاصله بیش از پیش شده است. به طوری که در کشورهایی مثل آفریقای جنوبی، آمریکای لاتین و کشورهای کمتر توسعه یافته بدترین وضعیت توسعه حاکم است و در کشور یا در مناطق دیگری مثل کشورهای صنعتی و کشورهای توسعه یافته، بهترین و مطلوبترین

وضعیت توسعه وجود دارد به نحوی که این کشورها اهرمهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی فرهنگی توسعه را نیز در اختیار گرفته‌اند. به طوری که براساس آخرین آمارهای منتشر شده، وضعیت شاخصهای توسعه در این دو قطب ذکر شده تا ۴۰ برابر اختلاف را نشان می‌دهد. بنابراین، کشورهای ضعیف تا زمانی که به نحو اصولی، بنیادی و شتابداز متحول نشوند، همچنان در جریان توسعه پیرو باقی خواهند ماند.

روند تحولات توسعه در طول تاریخ، روند تکاملی بوده است. به طوری که، بعد از جنگ جهانی دوم، برای روشن شدن وضعیت اقتصادی کشورهای مختلف جهان، برای اولین بار سازمان ملل متحد اقدام به رتبه‌بندی کشورها بر اساس تولید ناخالص داخلی نمود و بعدها شاخصهای دیگر اقتصادی مورد استفاده قرار گرفت. به عبارت دیگر، در این مقطع از زمان، فقط شاخصهای کمی اقتصادی به کار گرفته می‌شد. از دهه ۶۰ به بعد قرن نوزدهم و در دهه ۷۰ آن، شاخصهای اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت و شاخصهای توسعه یک مقداری جنبه کیفی به خود گرفت و در دهه ۸۰، مرحله جدیدی از توسعه تحت عنوان توسعه پایدار مطرح شد که دربرگیرنده ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (اکولوژیکی) توسعه بود. در دهه حاضر، توسعه انسانی بر مبنای سعادت و تعالی انسان مطرح است که انسان به عنوان هدف و وسیله در توسعه مورد توجه است و مبنای میزان حضور و مشارکت وی در فرایند توسعه، ملاک و معیار توسعه می‌باشد. آنچه که در این گذر اجمالی بر روند تحولات توسعه مشاهده می‌شود، این است که اولاً شاخصهای توسعه از حالت کمی به سمت کیفی بودن تغییر کرده است. ثانیاً با گذشت زمان، توسعه از وضعیت تک بعدی به وضعیت چند بعدی و جامع‌نگری تکامل یافته است.

در این مقال بر آن هستیم تا وضعیت بعضی از شاخصهای توسعه را در مناطق

مختلف جهان بر اساس آخرین آمار و اطلاعات منتشره بررسی و ارزیابی کرده و در پایان هر بخش، وضعیت ایران را با آن، مورد مقایسه قرار خواهیم داد.

۱- وضعیت شاخصهای منابع طبیعی

از جمله مهمترین عوامل تولید و توسعه (بویژه توسعه روستایی) وجود منابع طبیعی می‌باشد که شامل اراضی زراعی، جنگلی، مرتع و بیابان است. در کل جهان، منابع طبیعی از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. با گذشت زمان به علت بهره‌بردارهای بی‌رویه و غیراصولی، نرخ تخریب روند صعودی دارد و اراضی قابل کشت از چرخه زراعت خارج می‌شوند. جنگلها به مرتع و مراتع به بیابانهای بدون پوشش گیاهی و غیرقابل استفاده تبدیل می‌شوند. مساحت اراضی را در کل جهان ۱۳۱۶۱ میلیون هکتار تخمین زده‌اند که ۳۱/۸ درصد آن اراضی جنگلی و ۱۰ درصد آن اراضی قابل کشت است که از کل اراضی قابل کشت، ۱۸/۳ درصد دارای کشت آبیاری می‌باشد. بیش از ۷۰ درصد اراضی کل دنیا متعلق

به کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته است و کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه بیش از ۲۶ درصد و کشورهای صنعتی حدود ۴۲ درصد از اراضی کل جهان را به خود اختصاص داده‌اند. حدود ۳۲ درصد از اراضی جهان دارای پوشش جنگلی می‌باشد که در مناطق جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه، این رقم به ۵۴/۸ درصد و در منطقه امریکای لاتین به ۴۴/۸ درصد می‌رسد که نسبت به سایر مناطق دنیا از پوشش جنگلی بالاتری برخوردار هستند. کمترین پوشش جنگلی، مربوط به مناطق کشورهای عربی و بعد منطقه کشورهای آسیای شرقی و جنوبی است که به ترتیب ۵/۹، ۱۳/۸ و ۱۵/۷ درصد از اراضی این مناطق دارای پوشش جنگلی می‌باشد.

از نظر شاخصهای منابع طبیعی، ایران از وضعیت خوبی برخوردار نیست. به طوری که در یک ارزیابی اجمالی ملاحظه می‌شود این کشور در ردیف کشورهایی مثل کشورهای عربی است که جزو مناطق خشک و نیمه‌خشک به شمار می‌آیند. از کل اراضی کشور که ۱۶۴/۲ میلیون هکتار می‌باشد، ۶/۹ درصد آن دارای پوشش جنگلی است و ۱۰/۱

جدول شماره (۱): وضعیت شاخصهای منابع طبیعی در مناطق مختلف جهان براساس آمار سال ۱۹۹۳

کشور	مساحت (هکتار)	کشورهای آسیای شرقی (هکتار)	کشورهای آسیای جنوب شرقی (هکتار)	کشورهای آسیای غربی (هکتار)	کشورهای آسیای مرکزی (هکتار)	کشورهای آسیای شمالی (هکتار)	کشورهای آسیای جنوبی (هکتار)	کشورهای آسیای غربی (هکتار)	کشورهای آسیای شرقی (هکتار)	کشورهای آسیای جنوب شرقی (هکتار)	کشورهای آسیای غربی (هکتار)	کشورهای آسیای مرکزی (هکتار)	کشورهای آسیای شمالی (هکتار)	کشورهای آسیای جنوبی (هکتار)
کشورهای آسیای جنوب شرقی	۳۰۹۸	۳۲/۶	۶/۲	۳/۸	۱۶۱	-	۳۴۰	۹/۱	۱۲۲					
کشورهای عربی	۱۴۰۱	۵/۹	۶/۲	۱۸	-	-	-	۱/۸	۱۰۱۶					
کشورهای آسیای جنوبی	۶۱۳	۱۵/۷	۳۶/۵	۷۸۶	۱/۵	-	۳۲۹	۲/۱	۷۶۶					
کشورهای آسیای شرقی	۱۱۳۵	۱۲/۸	۸/۵	۵۳/۸	-	-	۲۱۴	۲/۳	۳۶۰					
کشورهای آسیای جنوب شرقی	۵۰۰	۵۴/۸	۱۲/۳	۲۲/۹	۵/۹	۱/۴	۲۸۲/۸	۱۳/۲	۳۶۵					
کشورهای آسیای غربی	۲۰۲۲	۶۴/۸	۶	۱۳/۶	۱۹۸۳	-	۲۰۹	۲۸/۲	۵۱۶					
کشورهای آسیای جنوب شرقی	۱۹۰۶	۳۱/۹	۵/۵	۹/۵	۲۱۲	-	-	۳۵۷/۱	۲۳۷					
کشورهای آسیای غربی	۷۶۵۶	۲۹/۳	۹/۲	۲۵/۷	۸۶۸	۱/۱	۷۹۵	۷/۶	۵۲۳					
کشورهای آسیای مرکزی	۵۵۰۳	۳۵/۱	۱۱/۳	۹/۹	-	-	-	-	۱۱۵۶					
جهان	۱۳۱۶۱	۳۱/۸	۱۰/۱	۱۸/۳	-	-	-	۸/۶	۶۳۸					
ایران	۱۶۲/۸	۶/۹	۱۰/۱	۵۶/۵	۲۰	-	۷۷/۴	۵/۰۳	۱۳۶۲					

منبع: (United Nations Development Programme): UNDP - گزارش توسعه انسانی - سال ۱۹۹۷

درصد آن دارای پوشش جنگلی است و ۱۰/۱ درصد نیز اراضی قابل کشت جهت محصولات کشاورزی می‌باشد.

بر اساس آمار سال ۱۹۹۳، نرخ تخریب منابع جنگلی در کشور ۰/۵ درصد اعلام شده است که معدل ۲۰ هزار هکتار از منابع جنگلی در سال می‌باشد. در مقایسه با مناطق مختلف جهان، کمترین نرخ تخریب منابع جنگلی مربوط به ایران و بیشترین آن مربوط به کشورهای آسیای جنوبی است. (۱/۵ درصد اعلام شده است). احیاء سالانه منابع طبیعی در کشور، ۷۷ هزار هکتار در سال ۱۹۹۳ اعلام شده که این رقم اگر دقیق و صحیح باشد، بیش از ۳/۵ برابر نرخ تخریب منابع جنگلی در کشور است. از نظر میزان بهره‌برداری از منابع جنگلی (به علت کم بودن وسعت این منابع در کشور و به علت ضعیف بودن تکنولوژی بهره‌برداری) کمترین میزان بهره‌برداری در مقایسه با سایر مناطق جهان است. به طوری که در سال ۱۹۹۳، ۵/۰۳ هزار متر مکعب تولید هیزم و ذغال در کشور بوده که در مقایسه با مناطقی مثل جنوب آسیا، شرق آسیا و با در نظر گرفتن سطح اراضی جنگلی به عنوان ضریب وزنی، بیش از ۱۰ برابر ایران هیزم و ذغال در این کشورها تولید می‌شود. البته در مقایسه با کل جهان، ظاهراً ایران از وضعیت خوبی برخوردار است. به طوری که حدوداً ۱/۳۷ اراضی جنگلی در ایران است، در حالی که ۱/۳۵ هیزم و ذغال تولید شده در دنیا به ایران اختصاص دارد. این ارقام نشان می‌دهد که ایران در مقایسه با کل جهان از وضعیت بهتری برخوردار است. ولی علت و عوامل دیگری وجود دارد که نمی‌تواند ملاکی برای بهتر بودن وضع صنعت بهره‌برداری از منابع جنگلی در کشور باشد.

از نظر وضعیت منابع آبی، کشور ایران در ردیف کشورهای عربی می‌باشد به طوری که سرانه آب تجدید شونده داخلی ۱/۷ هزار متر مکعب در سال است که این رقم در کل جهان

۸/۶ هزار متر مکعب در سال می‌باشد. بیشترین رقم سرانه آب تجدید شونده داخلی، متعلق به مناطق امریکای لاتین و حوزه کارائیب، معادل ۲۸/۲ هزار متر مکعب در سال است و کمترین آن در مناطق کشورهای عربی حدود ۱/۸ هزار متر مکعب در سال می‌باشد. کمتر از آن مربوط به کشور ایران است که ۱/۷ هزار متر مکعب در سال بوده است. سرانه مصرف سالانه آب قابل شرب در کشور (بر اساس آمار سال ۱۹۹۳) ۱۳۶۲ متر مکعب اعلام شده که تقریباً دو برابر رقم جهانی می‌باشد. از این نظر، ایران بالاترین رقم را به خود اختصاص داده است و کمترین آن در کشورهای جنوب آفریقا، کشورهای کمتر توسعه یافته، جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه، کشورهای آسیای شرقی، امریکای لاتین و کشورهای در حال توسعه می‌باشد که به ترتیب ۱۲۲، ۲۲۷، ۲۶۵، ۴۶۰، ۵۱۶ و ۵۲۳ متر مکعب است. در یک بیان کلی می‌توان گفت دنیا با یک بحران کم آبی مواجه است و بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد که در آینده این بحران شدیدتر خواهد شد.

۲- وضعیت شاخصهای اشتغال

اشتغال از مهمترین سازه‌های توسعه

است. در هر جامعه‌ای که به مشکل بیکاری پاسخ داده شود و افراد جامعه بتوانند کار کنند و درآمد داشته باشند، می‌توان گفت آن جامعه به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یافته است. ۴۸ درصد از کل جمعیت جهان را نیروی کار تشکیل می‌دهد که ۴۰ درصد آن را زنان به خودشان اختصاص داده‌اند. در بخش کشاورزی، ۴۹ درصد و در بخشهای خدمات و صنعت به ترتیب ۳۱ و ۲۰ درصد نیروی کار مشغول هستند.

در میان مناطق مختلف جهان، منطقه آسیای شرقی با ۵۹ درصد و کشورهای عربی با ۳۳ درصد، به ترتیب بیشترین و کمترین نیروی کار از کل جمعیت خودشان را دارند. درصد نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی از کل نیروی کار، در منطقه کشورهای کمتر توسعه یافته ۷۴ درصد، منطقه آسیای شرقی ۷۰ درصد و در کشورهای منطقه عربی، ۶۶ درصد می‌باشد و کمترین آن در کشورهای صنعتی و امریکای لاتین می‌باشد که به ترتیب ۱۰ و ۲۶ درصد از کل نیروی کار آنها در بخش کشاورزی فعالیت دارند.

بر اساس آمار سال ۱۹۹۶، ۲۴ درصد جمعیت ۶۰ میلیون نفری ایران شاغل هستند که ۱۲/۵ درصد آن (یعنی حدود ۱/۸ میلیون

جدول شماره (۲): وضعیت اشتغال در مناطق مختلف جهان براساس آمار سال ۱۹۹۰

منطقه	کشورهای غربی	کشورهای شرقی	کشورهای آسیای جنوبی	کشورهای آسیای شرقی و اقیانوسیه	کشورهای لاتین و حوزه کارائیب	کشورهای کمتر توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه	کشورهای صنعتی	کل جهان	ایران (۱۹۹۶)
کشورهای جنوب آفریقا	۴۵	۴۲	۶۶	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵
کشورهای عربی	۳۳	۲۴	۳۷	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵
کشورهای آسیای جنوبی	۴۲	۳۲	۶۲	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵
کشورهای آسیای شرقی	۵۹	۴۵	۷۰	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵
کشورهای آسیای شرقی و اقیانوسیه	۲۷	۲۲	۵۸	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵
کشورهای لاتین و حوزه کارائیب	۴۰	۳۲	۳۶	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵
کشورهای کمتر توسعه یافته	۲۷	۳۳	۷۳	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵
کشورهای در حال توسعه	۲۷	۳۹	۶۱	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵
کشورهای صنعتی	۴۹	۴۲	۱۰	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵
کل جهان	۴۸	۴۰	۳۹	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵
ایران (۱۹۹۶)	۲۴	۱۲/۵	۲۴	۲۲	۳۲	۳۳	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵

منبع: همان منبع

نفر) را زنان تشکیل می دهند. از کل جمعیت نیروی کار کشور، ۲۴ درصد در بخش کشاورزی، ۳۱ درصد در بخش صنعت و ۴۵ درصد در بخش خدمات شاغل هستند. در مقایسه با دیگر مناطق جهان و در مقایسه با متوسط جهانی، سهم زنان از نیروی کار در کشور، کمتر از همه مناطق است. به طوری که این عدد در کل جهان، ۴۰ درصد و در ایران ۱۲/۵ درصد (یعنی کمتر از $\frac{1}{3}$ آن) می باشد. با اینکه در بخش کشاورزی و صنعت، درصد قابل توجهی از نیروی کار کشور شاغل است، ولی میزان تولیدات در این دو بخش و خصوصاً در بخش کشاورزی نشان می دهد که وضع تولید در سطح مناسبی نیست و از سطح تکنولوژی نامناسبی برخوردار است. به طوری که اکثر واحدهای بهره برداری معیشتی هستند تا اقتصادی بودن. ولی در کشورهای صنعتی با اینکه ۱۰ درصد از جمعیت نیروی کار در بخش کشاورزی شاغل هستند، ولی تجارت صادرات مواد غذایی را در جهان در اختیار دارند. در صورتی که در ایران، با اینکه ۲۴ درصد از نیروی کار در بخش کشاورزی شاغل است، ولی یکی از بزرگترین وارد کننده مواد غذایی از جمله غلات در دنیا می باشد.

۳- وضعیت شاخصهای اقتصادی توسعه

یکی از مهمترین و بارزترین شاخصهای

اقتصادی، تولید ناخالص ملی و نرخ رشد آن می باشد. آمار منتشره نشان می دهد که در فاصله زمانی ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۳، تولید ناخالص ملی در مناطق مختلف جهان از نرخ رشد مثبتی برخوردار بوده که کمترین آن در منطقه جنوب صحرای افریقا با رشد ۱/۵ درصد و بیشترین آن با نرخ رشد ۹/۲ درصد در کشورهای آسیای شرقی بوده است. به طوری که متوسط جهانی آن را ۲/۶ درصد اعلام کرده اند. در حالی که نرخ رشد سرانه GNP که یک مقدار تصویر روشنتری نسبت به شاخص قبلی از وضعیت اقتصادی نشان می دهد، از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. در مناطق جنوب صحرای افریقا و آمریکای لاتین، نرخ رشد سالانه GNP سرانه در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۳ منفی گزارش شده است و در کشورهای کمتر توسعه یافته صفر می باشد. نرخ تورم اعلام شده نیز نشان می دهد که با گذشت زمان، میانگین نرخ تورم رشد مثبتی داشته است. به طوری که متوسط جهانی آن در فاصله زمانی ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴ به طور متوسط ۳۴/۹ درصد بوده و در سال ۱۹۹۴ به ۱۰۳ درصد یعنی نزدیک سه برابر رسیده است. می توان گفت رابطه منفی شدیدی بین نرخ رشد سالانه GNP سرانه و نرخ تورم سالانه وجود دارد.

نرخ رشد صادرات که یکی دیگر از

شاخصهای اقتصادی توسعه می باشد (در فاصله زمانی ذکر شده) از رشد مثبتی برخوردار بوده است. به طوری که متوسط جهانی آن ۲/۳ درصد بوده و در منطقه آمریکای لاتین و آسیای جنوبی با ۳/۹ درصد بالاترین رشد را داشته و کشورهای کمتر توسعه یافته با ۱/۴ درصد، پایین ترین رشد را به خود اختصاص داده اند.

جدول شماره (۳) نشان می دهد، تولید ناخالص ملی کشور ۱۳۹/۴ میلیون دلار در سال ۱۹۹۴ بوده است که در مقایسه با کل جهان $\frac{1}{10000}$ آن می باشد، در حالی که از لحاظ جمعیتی حدود یک درصد جمعیت دنیا در ایران ساکن هستند، میانگین نرخ رشد سالانه GNP در کشور در فاصله زمانی ۱۹۸۰-۱۹۹۳ حدود ۳/۳ درصد بوده و در سال ۱۹۹۲ نسبت به سال قبل از رشد منفی ۱/۴ درصد برخوردار بوده است. این امر نشان می دهد که در این فاصله زمانی، نرخ رشد جمعیت کشور در مقایسه با نرخ رشد GNP بیشتر بوده است. این موضوع برای کل جهان و برای مناطق دیگر نیز مورد تأیید می باشد.

۴- وضعیت شاخص مربوط به شکاف بین شهر و روستا

یکی دیگر از معیارهایی که وضعیت توسعه روستاها را بیان می کند، مقایسه

جدول شماره (۳) شاخصهای اقتصادی توسعه به تفکیک مناطق مختلف جهان براساس آمار سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴

منطقه	تولید ناخالص ملی ۱۹۹۲ (میلیون دلار)	نرخ رشد سالانه GNP سرانه درصد	میانگین نرخ تورم سالانه درصد		نرخ رشد صادرات سرانه درصد	نرخ رشد سالانه GNP سرانه درصد	تورم درصد	تورم درصد
			۱۹۸۴-۹۲	۱۹۸۰-۹۲				
- منطقه جنوب صحرای افریقا	۲۵۲	۱/۵	۱/۲	-۱/۲	۱۶/۱	-	-	-
- کشورهای عربی	۶۰۷	۲	۳/۸	-۰/۲	-	-	-	-
- آسیای جنوبی	۳۷۷	۲/۵	۱/۳	۱/۲	۱۶/۳	۱/۲	۰/۹	-۶/۲
- آسیای شرقی	۱۱۲۲	۹/۲	۶/۲	۷/۷	۸/۲	۷/۷	-	-۱/۲
- آسیای جنوب شرقی و فیلیپین	۵۲۲	۵/۷	۲	۳/۸	۸	۳/۸	۰/۱	۲/۲
- آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۱۵۰۲	۱/۷	۲/۸	-۰/۲	۲۲۲/۳	-۰/۲	-۱/۳	-
- کشورهای کمتر توسعه یافته	۸۰	۲/۵	۰	۰	۱۷/۶	۰	-	-
- کشورهای در حال توسعه	۲۵۳۶	۲	۲/۲	۲	۲۹۸/۲	۱۶۲/۶	۳/۲	-۱/۹
- کشورهای صنعتی	۲۰۸۲۹	۳	۲/۳	۱/۷	۷۰/۹	۱۲/۵	-	-۲/۹
- جهان	۲۵۳۸۵	۲	۲/۶	۰/۹	۱۰۳	۳۲/۹	-	-۳/۶
- ایران	۰/۱۲۹۲	۳/۲	۲/۹	-۱/۲(۹۲)	۲۳/۲	۳۷/۵	۱	-۱/۱

منبع: همان منبع

وضعیت بعضی شاخصها بین شهر و روستا در جوامع و مناطق مختلف جهان است. از جمعیت ۶/۲ میلیارد نفری جهان، حدود ۵۳ درصد آن در مناطق روستایی ساکن هستند که بیشترین جمعیت روستایی در مناطق کشورهای کمتر توسعه یافته، آسیای جنوبی، جنوب صحرای افریقا و آسیای شرقی می‌باشند که به ترتیب ۷۹ درصد، ۷۳ درصد، ۷۰ درصد و ۷۰ درصد هستند. در کشورهای صنعتی درصد جمعیت روستایی کمتر از مناطق دیگر است.

مطالعات انجام شده و آمارهای موجود نشان می‌دهد که مناطق روستایی جهان از لحاظ خدمات بهداشتی، آب سالم و خدمات درمانی در مقایسه با شهرها از وضعیت خوبی برخوردار نیستند. به طوری که به طور متوسط بیش از ۵۰ درصد ساکنین مناطق روستایی از این خدمات زیربنایی محروم بوده و دارای بدترین وضعیت خدمات درمانی هستند. در بین مناطق مختلف جهان، بخش روستایی منطقه کشورهای کمتر توسعه یافته، آسیای جنوبی و شرقی و بعد منطقه جنوبی صحرای افریقا از سطح امکانات و خدمات درمانی، بهداشتی مناسبی برخوردار نیستند.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، از جمعیت ۶۰ میلیون نفری کشور حدود ۳۸/۸

درصد آن یعنی ۲۳/۵ میلیون نفر آن در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. با توجه به جدول شماره (۴)، ۳۵ درصد روستاهای کشور از خدمات بهداشتی، ۲۵ درصد از آب سالم و ۶۵ درصد از خدمات درمانی محروم می‌باشند. در حالی که مناطق شهری کشور تقریباً به میزان ۱۰۰ درصد از این نوع خدمات برخوردار هستند و در ستون مربوط به نابرابری شهر و روستا در کشور، بیشترین نابرابری مربوط به خدمات درمانی است که ۳۵ درصد قید شده است. به عبارت دیگر، خدمات درمانی موجود در مناطق روستایی کشور، تقریباً ۱/۳ خدمات درمانی در مناطق شهری (از نظر سطح پوشش نه از لحاظ کیفیت) می‌باشد. این نابرابری در رابطه با خدمات بهداشتی نسبت به خدمات درمانی مقداری بهتر است، ولی حدود ۱/۳ از خدمات بهداشتی شهرها فاصله دارد و همچنین در خصوص آب سالم این نابرابری با مقدار کمی اختلاف در همین حدود فاصله دارد.

۵- وضعیت شاخصهای امنیت غذایی

مفهوم امنیت غذایی را می‌توان به این صورت بیان کرد؛ هر جامعه‌ای که بتواند کالاهای اساسی و مایحتاج خود را به نحوی تأمین کند که به استقلال آن جامعه خللی وارد

نشود، امنیت غذایی در آن جامعه تحقق می‌یابد. از جمله معیارهای خوب و بد بودن امنیت غذایی در هر جامعه‌ای، تولید سرانه مواد غذایی، نقش و سهم تولیدات کشاورزی از GDP، مصرف مواد غذایی، تأمین و مصرف کالری روزانه و میزان واردات مواد غذایی می‌باشد.

بر اساس آمارهای منتشره، در مناطق محروم دنیا شاخصهای مذکور از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. به نحوی که در مناطق کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای صحرای جنوب آفریقا و امریکای لاتین، ارقام کمتر از حد استاندارد و متوسط جهانی است. تولید سرانه مواد غذایی در این مناطق به ترتیب ۹۴، ۹۷ و ۱۰۴ کیلوگرم می‌باشد. از طرف دیگر، ۹ تا ۱۶ درصد واردات تجاری در این مناطق به مواد غذایی تعلق دارد. متوسط جهانی تولید سرانه مواد غذایی، ۱۱۸ کیلوگرم است که تولید سرانه مواد غذایی در کشورهای عربی، آسیای جنوبی، آسیای شرقی، اقیانوسیه و کشورهای در حال توسعه بیشتر از این رقم می‌باشد. از نظر تولید کشاورزی، فقط ۶ درصد از GDP کل جهان را تولید کشاورزی تشکیل می‌دهد که این رقم در کشورهای کمتر توسعه یافته و آسیای جنوبی با ۳۷ و ۲۸ درصد بیشتر از سایر

جدول شماره (۴): وضعیت شاخص بین شهر و روستا در مناطق مختلف جهان بر اساس آمار سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳

مقاله	جمعیت روستایی (٪)	برخوردهای از خدمات بهداشتی		برخوردهای از آب سالم		برخوردهای از خدمات درمانی		نابرابری بین شهر و روستا	
		شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	نسبت	تفاوت
- منطقه جنوب صحرای افریقا	۷۰	۲۹	۳۵	۷۳	۲۹	۵۹	۶۳	۲۸	۲۹
- کشورهای عربی	۵۰	۶۷	۵۶	۹۰	۲۷	۹۱	۶۳	۶۳	۵۱
- آسیای جنوبی	۷۳	-	۷۲	۸۶	۱۵	۶۵	-	۹۶	۲۳
- آسیای شرقی	۷۰	-	۶۰	۹۹	۲	۶۵	-	۶۱	۷
- آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه	۶۸	-	۲۷	۷۰	۳۸	۶۵	-	۶۷	۵۹
- امریکای لاتین و حوزه کارائیب	۲۷	-	۵۶	۹۰	۲۲	۷۹	-	۶۳	۶۱
- کشورهای کمتر توسعه یافته	۷۹	-	۲۶	۶۳	۲۷	۶۱	-	۷۲	۲۴
- کشورهای در حال توسعه	۶۲	-	۲۹	۸۸	۱۸	۶۹	-	۶۸	۲۴
- کشورهای صنعتی	۲۵	-	-	-	-	-	-	-	-
- جهان	۵۳	-	-	-	-	-	-	-	-
- ایران	۲۳	۶۵	۷۵	۹۵	۳۵	۱۰۰	۶۸	۷۵	۳۵

- ملاحظه: همان منبع
* ارقام مندرج در سه ستون آخر براساس مقایسه با میانگین شهری که معادل ۱۰۰ در نظر گرفته شده، ارائه گردیده است. رقم کوچکتر به معنای فاصله بیشتر است. هرچقدر رقم به ۱۰۰ نزدیکتر باشد، فاصله کمتر است. در مواردی که رقم بالاتر از ۱۰۰ باشد، نشان می‌دهد که میانگین روستایی از میانگین شهری بالاتر خواهد بود.

مناطق جهانی می‌باشد.

سهم مواد غذایی از واردات تجاری هر جامعه‌ای، نشان‌دهنده درجه استقلال امنیت غذایی در آن جامعه می‌باشد. به طوری که در کشورهای کمتر توسعه یافته جنوب آفریقا، آمریکای لاتین و آسیای شرقی به ترتیب با ۱۶ درصد، ۱۰ درصد و ۹ درصد نسبت به سایر مناطق بیشترین سهم از واردات تجاری را به مواد غذایی اختصاص داده‌اند. به عبارت دیگر، درجه وابستگی در این مناطق از دنیا بیشتر از سایر مناطق جهانی می‌باشد.

با توجه به جدول شماره (۵)، ایران در مقایسه با مناطق مختلف جهان از نظر شاخصهای امنیت غذایی از وضعیت خوبی برخوردار نیست. تولید سرانه مواد غذایی در حد متوسط کشورهای در حال توسعه است. در حالی که تأمین کالری روزانه به ازای هر نفر که به نوعی نشان‌دهنده الگوی مصرف کشور می‌باشد، در حد کشورهای عربی می‌باشد. این وضعیت نشان می‌دهد که الگوی مصرف با الگوی درآمد در کشور، هیچ تناسبی با هم‌دیگر ندارد. چرا که تولید مواد غذایی در کشور نشان می‌دهد که از نظر تولید، هم‌ردیف با پایین‌ترین کشورهای در حال توسعه است در حالی که از نظر تأمین کالری روزانه که به مصرف می‌رسد، در سطح کشورهای مرفه

مثل کشورهای عربی قرار دارد. از طرف دیگر، بالا بودن سهم مواد غذایی از کل واردات کشور بیانگر این مطلب است که علاوه بر وابستگی امنیت غذایی کشور به تجارت خارجی، تلفات مواد غذایی در کشور خیلی بالاست و در بررسیهای انجام شده تا ۳۵ درصد نیز اعلام شده است.^۱ دلیل آن را چنین می‌توان بیان کرد که سرانه تولیدات مواد غذایی در کشور هم‌ردیف با کشورهای در حال توسعه است، در حالی که کالری مواد مصرفی بیشتر از آنها و سهم واردات مواد غذایی از واردات تجاری بیش از دو برابر آنها می‌باشد. واردات مواد غذایی نسبت به متوسط جهانی در کشور خیلی زیاد است، در حالی که ایران از تولید سرانه مواد غذایی بیشتری نسبت به متوسط جهانی برخوردار است. لذا این امکان برای کشور وجود دارد که از دو جنبه نسبت به کاهش و حتی حذف واردات مواد غذایی اقدام شود. اولاً، الگوی مصرف بهینه شود و از تلفات و اسراف مواد غذایی جلوگیری شود. ثانیاً برای افزایش تولید در واحد و استفاده بهینه از منابع اقدام گردد.

۶- وضعیت شاخصهای توسعه انسانی

در گزارش منتشر شده توسط UNDP، ۱۱

جدول شماره (۵): وضعیت شاخصهای امنیت غذایی در مناطق مختلف جهان بر اساس آمار سال ۱۹۹۴

منطقه	تولید سرانه مواد غذایی (کیلوگرم)	تولید کالری روزانه سرانه GDP (میلیون دلار)	مصرف سرانه کالری (کیلوکالری در روز)	نسبت کالری در سرانه واردات (میلیون دلار)	واردات (میلیون دلار)
- کشورهای شرقی جنوب	۹۷	۳۰	۲۰۹۶	۱۰	۱۰۱۶۲
- کشورهای عربی	۱۲۱	-	۲۸۲۳	-	۳۳۸۷۳
- آسیای جنوبی	۱۲۰	۲۸	۲۳۶۷	۹	۹۳۱۹
- آسیای شرقی	۱۲۲	۱۵	۲۷۵۱	۴	۲۹۲۹۲
- آسیای جنوبی شرقی و جنوب شرقی	۱۲۸	۱۶	۲۵۶۱	۴	۱۳۱۳۸
- آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۱۰۴	۱۰	۲۷۵۶	۹	۳۱۵۷۱
- کشورهای کمتر توسعه یافته	۹۳	۳۷	۲۰۵۲	۱۶	۷۶۵۱
- کشورهای در حال توسعه	۱۲۲	۱۵	۲۵۵۲	۷	۱۲۹۲۳۲
- جهان	۱۱۸	۶	-	۶	۲۱۹۳۵۵
- ایران	۱۲۶	۲۱	۲۸۶۱	۱۶	۵۳۵۰

شاخص برای توسعه انسانی تعریف شده است که امید به زندگی، تولید سرانه ناخالص ملی، برخورداری از آب، بهداشت، درمان، کالری، نرخ باسوادی، سرانه نسریات و تلویزیون از جمله این شاخصها می‌باشند. بر اساس جدول شماره (۶)، کشورهای کمتر توسعه یافته و جنوب صحرای آفریقا در مقایسه با گروههای دیگر، وضعیت بدتری دارند. علاوه بر این دو گروه، کشورهای در حال توسعه نیز از نظر وضعیت شاخصهای فوق‌الذکر، کمتر از رقم متوسط جهانی است. نرخ باسوادی بزرگسالان که شاخص مهم و اساسی در هر جامعه و یا منطقه به شمار می‌آید، در کشورهای کمتر توسعه یافته و آسیای جنوبی، به ترتیب ۴۸/۴ و ۴۹/۷ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر، بیش از ۵۰ درصد جمعیت این کشورها بی‌سواد هستند. همین امر در سایر فاکتورها و یا شاخصها نیز اثر گذاشته، به طوری که تعداد روزنامه‌های منتشر شده برای هر ۱۰۰ نفر در این دو منطقه به ترتیب ۰/۸ و ۲ می‌باشد که ۳۳/۵ و ۱۳/۳ برابر از متوسط جهانی کمتر می‌باشد.

طبق آمار جدول شماره (۶)، ایران از نظر شاخص امید به زندگی، برخورداری از خدمات بهداشتی، آب سالم و درمان در مقایسه با دیگر مناطق دنیا از وضعیت خوبی برخوردار است. به طوری که بیشتر از متوسط جهانی بوده و در بعضی موارد نزدیک به رقم کشورهای توسعه یافته صنعتی می‌باشد. ولی از نظر شاخصهای دیگر توسعه انسانی از وضعیت خوبی برخوردار نیست. به طوری که از نظر تعداد روزنامه‌های منتشره، با سرانه ۲ روزنامه برای هر ۱۰۰ نفر در ردیف کشورهای آسیای جنوبی قرار گرفته است و حتی کمتر از کشورهای در حال توسعه می‌باشد. این رقم ۴/۸ برابر کمتر از متوسط جهانی است. از نظر GNP سرانه، نیز ایران با ۲۲۳۰ دلار تقریباً نصف یا ۵۰ درصد متوسط جهانی می‌باشد. اگر درآمد حاصل از نفت از درآمد سرانه کشور کسر شود، سرانه GNP در کشور رقمی نزدیک

به رقم کشورهای در حال توسعه خواهد بود. در کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته بخش زیادی از جمعیت، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. به طوری که در مناطق افریقای و آسیای جنوبی و شرقی، جمعیت روستایی ۷۰ درصد از کل جمعیت این مناطق را تشکیل می‌دهد. بنابراین، بخش زیادی از اشتغال و تولید نیز در بخش روستایی این کشورها تحقق می‌پذیرد. بنابراین، انتظار می‌رود که مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری این کشورها از امکانات و سطح توسعه بالاتری برخوردار باشند و این در حالی است که واقعیت‌های موجود عکس این قضیه را بیان می‌کند. در صورتی که اگر به نسبت جمعیت، منابع و امکانات و تسهیلات و خدمات بین شهر و روستا توزیع شود، شکاف بین شهر و روستا به این صورت نخواهد بود. به عبارت دیگر، در جوامعی که نسبت جمعیت روستایی بیشتر است، در آن جوامع مناطق روستایی از امکانات بیشتری برخوردار شوند. البته این مشکل و گرفتاری در کشور ایران نیز به شکل گسترده و وسیع وجود دارد و پیامد بیش از نیم قرن آن، این است که جمعیت روستایی به مناطق شهری مهاجرت کرده و به

مرور زمان روستاها خالی از سکنه شده‌اند. به طور کلی، شاخصهای توسعه به صورت زنجیروار در ارتباط با هم و متصل به هم هستند. وقتی که شاخص تولید در جامعه‌ای خوب یا بد است، اثر خوب و یا بد خود را بر روی شاخصهای اقتصادی و امنیتی و ... خواهد گذاشت.

نکته آخری که به عنوان نتیجه گیری پایانی بیان می‌شود، این است که شاخص توسعه انسانی در کشورهای فقیر و در حال توسعه و کشورهای صنعتی و پیشرفته و در مقایسه با شاخصهای دیگر توسعه نسبت به هم نزدیک هستند. البته این امر در جای خود قابل بحث است، ولی این مطلب نشان می‌دهد که شاخص توسعه انسانی اولاً، از جنس دیگری است که می‌تواند کشورهای فقیر و در حال توسعه را در سطح بهتری از توسعه قرار دهد. ثانیاً، نزدیکی آن به روح و وجود انسان خیلی زیاد است. اگر دقت بیشتری شود، نتیجه بهتری خواهد داد.

بحث و نتیجه گیری

آنچه که از این مختصر بحث به عنوان نتیجه گیری می‌توان بیان کرد، این است که جهان هستی سرشار از منابع و امکانات توسعه در ابعاد و جوانب مختلف آن می‌باشد. منتهی امکان و هنر به کارگیری و استفاده از

جدول شماره (۶): شاخصهای توسعه انسانی در مجموعهای منطقه‌ای جهان براساس آمار سال ۱۹۹۴

منطقه	میانگین	برخورداری	برخورداری	برخورداری	برخورداری	توسعه انسانی	توسعه انسانی	توسعه انسانی	توسعه انسانی	توسعه انسانی	شاخصهای توسعه انسانی	
											شاخصهای توسعه انسانی	شاخصهای توسعه انسانی
کشورهای جنوب صحرائی	۵۰	۵۳	۵۱	۲۲	۲۰۹۶	۵۶/۲	۵۳	۱/۱	۳	۱۳۳۳	۵۳۹	۳
- کشورهای عربی	۶۲/۹	۸۷	۷۶	۵۳	۲۸۷۶	۵۵/۷	۷۳	۲/۵	۱۲	۳۳۵	۱۹۷۸	۱۲
- آسیای جنوبی	۶۱/۳	۷۸	۸۲	۳۵	۳۳۶۷	۶۹/۷	۶۷	۲	۵	۱۶۸۱	۳۲۵	۵
- آسیای شرقی	۶۹	۸۸	۶۸	۲۷	۲۷۵۱	۸۱/۶	-	-	۲۳	-	۹۰۶	-
- آسیای جنوب شرقی و تایلند	۶۶/۳	۸۵	۶۶	۵۶	۳۵۴۱	۸۶/۳	۷۸	۳/۶	۱۴	۳۳۸	۱۳۷۹	۱۴
- آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۶۹	-	۷۵	۶۱	۳۷۵۶	۸۶/۲	۸۹	۷/۳	۲۱	۵۸۷۳	۳۱۸۸	۲۱
کشورهای کمتر توسعه یافته	۵۰/۳	۳۹	۵۷	۲۶	۲۰۵۴	۶۸/۲	۶۶	۰/۸	۲	۹۵۱	۲۱۰	۲
کشورهای در حال توسعه	۶۱/۸	۸۰	۷۱	۳۹	۳۵۵۳	۶۹/۷	۷۶	۲	۱۴	۳۱۰۸	۱۰۵۳	۱۴
کشورهای صنعتی	۷۲/۱	-	-	-	-	-	-	-	۲۶/۳	۱۵۹۸۶	۱۲۲۲۱	۵۰
- جهان	۶۳/۲	-	-	-	-	-	-	-	۹/۸	۵۸۰۶	۳۷۹۷	۲۲
- ایران	۶۸/۲	۸۸	۹۰	۸۱	۲۸۶۱	۶۸/۶	۸۴	۲	۱۲	۵۷۶۶	۲۳۲۰	۱۲

- ماخذ: همان منبع

آن، در مناطق و جوامع مختلف متفاوت است و این تفاوتها به مرور زمان، شکاف و اختلاف در سطح معیار و شاخصهای توسعه را بوجود آورده و بیشتر می‌کند. از نظر منابع طبیعی که شامل آب و خاک می‌باشد، کشورهای به اصطلاح فقیر و توسعه نیافته چیزی کمتر از کشورهای پیشرفته ندارند. به طوری که، بیش از ۷۰ درصد از اراضی جنگلی و قابل کشت جهان در این کشورها قرار دارد و متعلق به این کشورها است. بنابراین، منابع و عوامل تولید که بستر توسعه به شمار می‌آید، در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه (به استثنای موارد خاص) وجود دارد، ولی نحوه بهره‌برداری از آن است که این کشورها را عقب مانده نگه داشته است. از نظر اشتغال نیز می‌توان گفت که هم نسبت جمعیت در کشورهای در حال توسعه و عقب مانده در مقایسه با کشورهای توسعه یافته بیشتر است و هم اینکه، درصد بیشتری از جمعیت این کشورها را نیروی کار تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، درصد زیادی از نیروی کار جهان در این گروه از کشورها قرار دارد. با این وجود، سطح تولید کل و سطح تولید سرانه نسبت به کشورهای پیشرفته در کشورهای در حال توسعه و عقب مانده خیلی پایین است، به نحوی که وابستگی این کشورها به کشورهای پیشرفته وجود دارد و یا اینکه از استقلال کافی در امنیت غذایی برخوردار نیستند. علت عمده آن را باید در نوع و سطح تکنولوژی تولید و بهره‌برداری جستجو کرد. اکثر واحدهای بهره‌برداری کشاورزی و دامداری در کشورهای کمتر توسعه یافته و فقیر از سطح بهره‌برداری پایین برخوردار هستند و اقتصادی نیستند. این موضوع از منظر شاخصهای اقتصادی و امنیت غذایی مورد توجه قرار گرفته و تأیید می‌شود. به طوری که، سرانه تولید ناخالص ملی در این کشورها به مراتب پایین‌تر از کشورهای پیشرفته و متوسط جهان می‌باشد.

پی نوشت:

۱- ابوالحسنی، مهرا، "ضرورت پیوند کشاورزی با صنایع روستایی"، ویژه نامه اقتصاد روستا، وزارت جهاد، ۱۳۷۱.